

# یک هزارم درد کولبرها را نمایش دادیم

گفت و گوبا «هدی استواری» بازیگر کردتبار سریال «نون خ» که در نقش یک کولبر با این که کار تن های خالی را در مسیر هایی کوتاه حمل می کرده اما روی برف ها از فرط خستگی خوابش برده و گردن درد امانش را بریده است درباره رنج کولبر ها و واکنش شان به سریال «نون خ»

مجدید حسین زاده | روزنامه نگار

پرونده

همه ما چیزهای زیادی را درباره کار دشوار و پرمشقت کولبرها شنیده بودیم، اما به شکلی ملموس با ابعاد پرنج آن آشنا نبودیم تا این که در فصل اخیر «نون خ» چند قسمتی کولبرها مورد توجه قرار گرفتند و به بهانه ای داستان سمت شغل خطرناک و پر در دسر شان رفت تا مخاطب ببیند کار در آن شرایط چه ویژگی هایی دارد. در این فصل شخصیت های داستان که برای رساندن داروی بچه های سرطانی به دل کوه زده اند چندین ساعت در یک غار گیر می افتند. در حالی که آن ها آماده مرگ به خاطر تمام شدن اکسیژن در غار و یخ زدن از سرما هستند، ۲ کولبر خانم به دادشان می رسند و آن ها را نجات می دهند. بازیگر یکی از آن ها، «هدی استواری» است که در فصل سوم سریال نون خ، نقش خانم وکیل را بازی کرده بود. او حالا در سریال نون خ ۵ در نقش کولبر ظاهر شد. «استواری» اصلالتا اهل کرمانشاه است و به خاطر زندگی در آن منطقه با درد این قشر از جامعه آشناست. در پرونده امروز زندگی سلام به سراغ او رفتیم تا برای ما از تجربیاتش به عنوان یک بازیگر نقش کولبر، چالش هایی که با آن مواجه شده، واکنش مردم و کولبرها به سکانس های حضورش در سریال نون خ و... بگوید.



## سختی کولبرها هزار برابر چیزی است که دیدید



بازیگر نقش کولبر در فصل پنجم سریال «نون خ» درباره سختی هایی از این کار که با پوست و استخوان لمس کرده، می گوید: «از بین چالش هایی که کولبرها با آن ها مواجه می شوند، مایک هزارم آن را متحمل نشدیم چون به هر حال، ما کارتن های خالی را حمل می کردیم و بچه های پشت صحنه در همه لحظات کنار ما بودند. حتی همین کارتن های خالی را هم، تا محل تصویربرداری برای ما می آوردند و در تمام مسیر ما را همراهی می کردند. از مسیرهای صعب العبور هم فقط جاهای بسیار کوتاهی را رفتیم که در سریال هم نمایش داده شد بنابراین این طور نبود که مسیرهای بسیار طولانی را طی کنیم. اصلا این سختی ها با آن چیزی که کولبرها با آن ها مواجه هستند، قابل مقایسه نیست و آن ها باید هزار برابر بیشتر از این چیزها را تحمل کنند».

## شب ها با کلی قرص از فرط دردی خوابیدم

«این روزها به وسایلی که استفاده می کنم از یخچال گرفته یا دیگر لوازم خانگی و به طور کلی وقتی می شنوم که کالایی از بانه آمده، به این فکر می کنم که این ها را کولبرها چطور آورده اند؟ چه سختی هایی کشیدند تا این کالا به دست من یا شما برسد؟ ذهنم این روزها، بارها در گیر این مسئله شده است». بازیگر سریال نون خ با این مقدمه ادامه می دهد: «البته من قبل از بازی در این سریال و در



## کولبرهای زیادی به من پیام تشکر دادند

از این بازیگر سریال نون خ درباره واکنش مردم به این نقش پرسیدم و این که آیا در این مدت، کولبری هم بوده که به او پیام بدهد و انتقاد یا پیشنهادی داشته باشد که می گوید: «بله، علاوه بر خودم، حتی به پیچ مادر هم دایر کت های زیادی رسیده که ما کولبر هستیم و نقشی که دخترتان بازی کرد، بسیار نزدیک به زندگی واقعی و چالش هایی بود که ما هر روز و هر لحظه با آن ها مواجه هستیم. یک نفر هم به خودم گفت که حال و هوا و شرایطی که ما کولبرها تجربه می کنیم، شما به خوبی توانستید به تصویر بکشید و ذهنیت درستی از کولبرها در ذهن مخاطبان شکل بدهید. مردم هم بابت این که صدای این قشر مظلوم شدیم، پیام های تشکر زیادی برای من فرستادند و قطعاً برای دیگر عوامل سریال هم ارسال شده است».

در زندگی سلام امروز بخوانیم:

## چه نوع تفلونی خطرناک است؟

## اهمیت مراقبت از پوست کودکان در برابر آفتاب

## چرا گاهی تراپی اثر ندارد؟

در روز ملی روان شناس و مشاور از این گفتیم که چرا بعضی افراد بعد از چندین بار مراجعه به روان شناس باز هم مشکل شان حل نمی شود

## مزد شجاعت، تاوان ترس

بازی جذاب آلومینیوم و پرسپولیس در جام حذفی درس های جالبی برای زندگی ما داشت

## کولبرها برای امرار معاش مجبور به این کار هستند

از او که فقط برای ۲۰ روز، آن هم در شرایطی بسیار متفاوت نسبت به یک کولبر واقعی، با گوشه ای از آن در دسر ها روبه رو شده، می پرسیم که آیا به نظرش کار، ارزشش را دارد که یک نفر کولبر شود که می گوید: «کولبرها مجبور هستند که این کار را بکنند. مردم مزر نشین معمولاً کمتر مورد توجه قرار می گیرند و برنامه ریزی برای آن ها وجود ندارد. وقتی ما هیچ گونه برنامه ریزی معیشتی برای آن ها نداریم، مجبورند برای امرار معاش شان این طور زندگی کنند. در واقع انتخاب دیگری ندارند. نه کارخانه ای در آن شهرها هست و نه بازار کار درست و حسابی. آن ها با این شغل زندگی می کنند بدون این که بتوان برای آینده شان اتفاق خوبی را متصور بود، مثلاً باز نشسته شوند یا .... در واقع زندگی آن ها تا زمانی جریان دارد که مشغول کار هستند و هر زمان که نتوانند به کولبری ادامه دهند، معلوم نیست که چه سرنوشتی برای شان رقم خواهد خورد تا بتوانند امرار معاش کنند».



## باورم نمی شود که کولبر خانم نوجوان و سالمند داریم

از او درباره اصلی ترین چالش و سختی که کولبرها با آن مواجه هستند، می پرسیم که می گوید: «من اگر بر اساس همین نقش کوتاهی که به عنوان یک کولبر بازی کردم قطعاً جنبه های بسیاری از این کار هست که نه تجربه کردم و نه در جریانم، باید بگویم که به هر حال غیرقانونی است و همین باعث می شود که هزاران مسئله برای شان به وجود بیاید. علاوه بر این، سلامت آن ها در خطر جدی است و هر باری که برای کولبری به دل کوهستان می زنند، ممکن است آخرین باری باشد که به این سفر می روند. علاوه بر این به شدت عذاب آور و سخت است. بنابراین هیچ گونه جایی ندارد که من اولویت بندی کنم. اما می توانم ادعا کنم که ناراحت کننده ترین موضوع درباره کولبرها که هنوز هم باورم نمی شود، حضور قشر سالمند، نوجوان و بانوان در این کار است. خانم هایی که در این کار هستند، سرپرست خانوار هستند و شرایط شان خیلی ناراحت کننده است و امیدوارم سریال نون خ و این صحبت هایی که الان با شما داشتم، باعث شود که مسئولان مقداری از این شرایط را درک کنند. من که در این حوزه تصمیم گیرنده نیستم اما سختی های ایفای نقش یک کولبر را با جان و دل پذیرفته ام و امیدوارم که بشود برای آن ها کاری کرد تا این قدر در زندگی سختی نکشند».



## همه از مصدومیت «آقاخانی» شوکه شدیم

دلیل حضور نداشتن شخصیت «نورالدین» با بازی «سعید آقاخانی» در بخش هایی از حضور بازیگران این سریال در کوهستان و سکانس های کولبری، این است که از ابتدا قرار نبود از کوه بيفتند و جا بماند اما ناگهان از ارتفاع سقوط کرده و مهره های کمرش آسیب جدی دیده است. بعدش هم چند روزی در بیمارستان بستری بوده و گفتند باید استراحت مطلق داشته باشد اما قبول نکرده است. از «استواری» می پرسیم که آیا در لحظه مصدومیت آقاخانی سر صحنه بوده یا نه که می گوید: «بله، من آنجا بودم. تقریباً آخر کار بود که قرار شد از کوه هایی که پر از برف بود، پایین بیاییم که متأسفانه از روی ارتفاع زمین خوردند. بعدش هم دچار آن مصدومیت شدید شدند. حالا در همین موقعیت شما توجه داشته باشید که آن جاکو درو بود و بلافاصله ایشان را به بیمارستان رساندند. تصور کنید که این اتفاق برای یک کولبر می افتاد. او چطور می توانست خودش را به بیمارستان برساند؟ اصلاً صدایش به جایی می رسید؟ آیا زنده می ماند و امیدی به نجات داشت؟ همه از این اتفاق و ضربه ای که به کمر ایشان خورد، شوکه شدیم اما او به هر سختی بود، برگشت و در کنار دیگر بازیگران، کارش را نیمه تمام رها نکرد».

## هیچ چیز برای کولبرها قابل پیش بینی نیست

او درباره چالش هایی که کولبرها با آن ها مواجه هستند و او به عنوان یک بازیگر این نقش، تا

